



مطالعه رفتار زیست محیطی دانش آموزان دوره ابتدایی

مریم رضایی مقدم^۱

عاطفه شهرکی^۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رفتار زیست محیطی دانش آموزان ابتدایی شهرستان آمل، انجام شد. روش پژوهش، کیفی، از نوع نظریه پایه بود. این مطالعه با نمونه گیری هدفمند آغاز و تا اشباع داده ها ادامه یافت. مشارکت کنندگان ۱۳ دانش آموز پایه های چهارم (۲ نفر)، پنجم (۴ نفر) و ششم (۷ نفر) مقطع ابتدایی شهر آمل مورد مصاحبه فردی قرار گرفتند. با توجه به این که در ۳ مصاحبه آخر، هیچ کد جدیدی استخراج نگردید، اشباع داده ها حاصل و فرآیند نمونه گیری متوقف گردید. گردآوری داده ها با استفاده از روش مصاحبه فردی نیمه ساختار یافته انجام شد. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از روش تحلیل مقایسه مداوم کوربین و اشتراوس شامل سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی، استفاده شد. در کدگذاری اولیه، تعداد ۸۳ کد اولیه استخراج گردید که در فرآیند تحلیل و مقایسه مداوم، تعداد کدهای اولیه به ۳۴ مورد تقلیل یافت و در نهایت ۴ کد محوری و ۱ کد انتخابی حاصل گردید. کد انتخابی حاصل از این پژوهش، عوامل فردی نامیده شد که چگونگی اجرای رفتار زیست محیطی دانش آموزان ابتدایی را شکل می دهد. بر این اساس، متغیرهای حاصل از کد بندی در کد محوری عوامل فردی شامل آگاهی، عوامل انگیزشی، عادت ها و نگرش بود.

واژگان کلیدی: محیط زیست، رفتار، رفتار زیست محیطی، دانش آموز ابتدایی، پژوهش کیفی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. مربی پیش دبستانی، شهرستان آمل و دانشجوی کارشناسی ارشد تکنولوژی آموزشی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

۲. آموزگار دبستان های امید رهبر و شهید فخری زاده شهرستان زهک و دانشجوی کارشناسی ارشد تکنولوژی آموزشی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

مقدمه

نگاه مسئولانه نسبت به محیط زیست و توجه ویژه به مسائل زیست محیطی از نشانه‌های شاخص بسیاری از جوامع در قرن بیست و یکم است، به طوری که امروزه، تأکید و توجهی که در بیشتر نهادها، سازمان‌ها و شهروندان جامعه نسبت به محیط زیست مشاهده می‌شود، نشان از فزونی مخاطرات زیست محیطی و نگرانی‌های موجود نسبت به پیامدهای آن دارد. صاحب‌نظران در حوزه محیط زیست معتقدند کیفیت محیط زیست و کنترل مؤثر مسائل زیست محیطی کاملاً به الگوهای رفتاری انسان‌ها وابسته است. بر این اساس، مشکلات زیست محیطی متنوعی که امروزه با آن‌ها مواجه هستیم همانند گرم شدن تدریجی زمین و تغییرات آب و هوایی، آلودگی هوا، کمبود آب، کاهش منابع طبیعی و نابودی تنوع اکوسیستمی در جهان، ریشه در رفتار بشری دارند (عباس زاده و همکاران، ۱۳۹۵). از یک سو، حفاظت از محیط زیست از مؤلفه‌های مهم عدالت، توسعه پایدار و شکوفایی جوامع در جهان کنونی به شمار می‌آید، موضوعی که کشور ما نیز نیازمند توجه ویژه به آن است. در واقع، بهره‌مندی از محیط زیست سالم در کنار آزادی و برابری از حقوق اولیه بشر به شمار می‌آید. این حق و دسترسی به آن برای همه آحاد جامعه، در تعریف عدالت نیز نهفته است، زیرا تخریب و آلودگی محیط زیست آسیب‌های جبران‌ناپذیر به مردم، به ویژه به طبقه فقیر جامعه وارد می‌سازد، از این رو در نگاهی جامع به بحث عدالت نمی‌توان بحث محیط زیست را نادیده گرفت (شهپازی و همکاران، ۱۳۹۴). از دیگر سو، بررسی عملکرد افراد حاکی از وجود تفاوت‌های چشمگیر در رفتار آن‌ها با محیط زیست است. اگر چه امروزه بسیاری از مردم خود را طرفدار محیط زیست می‌دانند، اما با وجود نگرش‌های مثبت خود، رفتارهای مثبتی در جهت حفظ محیط زیست انجام نمی‌دهند. در این میان، استرن و دیتز مطرح می‌کنند که نوع نگرش به محیط زیست، ریشه در نظام ارزشی اشخاص دارد (استرن و دیتز، ۱۹۹۴). بر این اساس، نگرش‌های افراد در مورد موضوعات محیط زیستی بر اساس نوع ارزشی است که این اشخاص برای خود، دیگران یا گیاهان و حیوانات و سایر موجودات دیگر، قائل هستند. از این رو، برای درک بهتر رفتارهای محیط زیستی باید عوامل نگرشی، موقعیتی، توانایی‌های فردی و عادات در رابطه با یکدیگر مورد بررسی قرار گیرند. در کنار انگیزه‌های شخصی، انگیزه‌های نوع دوستی نیز برای انجام دادن فعالیت‌های گروهی نیز بسیار مهم هستند. چرا که در مدل نوع دوستی، فرض بر این است که اگر جهت‌گیری اخلاقی افراد برای آسایش و رفاه افراد دیگر باشد، فرد برای پیامدهای مفید برای دیگران، ارزش قائل می‌شود و برای حفظ افراد از آسیب برانگیخته می‌شود (شبییری، ۱۳۹۶). بسیاری از پژوهش‌ها از جمله صالحی و همکاران (۱۳۹۲) نشان دادند که نگرش زیست-محور بیشترین تأثیر را بر رفتارهای زیست محیطی دارد و پیش‌بینی‌کننده‌ای قوی برای رفتارهای زیست محیطی است. یعنی، رابطه معناداری بین آگاهی و رفتار محیط زیستی وجود دارد. کلاتتری و فتاحی (۱۳۹۱) نشان دادند که آموزش‌های زیست محیطی سه مؤلفه آب، خاک و هوا بر تغییر رفتار دانش‌آموزان مقطع ابتدایی نسبت به حفظ محیط زیست تأثیر دارد. نتایج پژوهش حاجی‌علیزاده و همکاران (۱۳۹۲) نشان داد که جنسیت دانش‌آموزان عامل موثری بر نگرش زیست محیطی دانش‌آموزان می‌باشد و نگرش زیست محیطی دختران در مقایسه با پسران در سطح بالاتری قرار دارد. صالحی و قائمی اصل (۱۳۹۲) نشان دادند که میزان شناخت دانش‌آموزان نسبت به مسایل و مشکلات زیست محیطی عام، بالا و نسبت به مسایل و مشکلات زیست محیطی خاص، پایین است. هم‌چنین، بین میانگین رفتار زیست محیطی در پایه‌های مختلف تحصیلی تفاوت معناداری وجود دارد. در پژوهشی دیگر، علوی پور و همکاران (۱۳۹۵) نشان دادند که بین متغیرهای تحصیلات والدین و پایه تحصیلی دانش‌آموزان با میزان دانش محیط زیستی دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود ندارد. در حالی که بین دانش محیط زیستی با علاقه به محیط زیست ارتباط معناداری وجود دارد. پژوهش دانشور راد (۱۳۸۸) نشان داد که بین متغیرهای سن، جنسیت، تعداد افراد خانواده، تحصیلات پدر، تحصیلات مادر، میزان درآمد خانواده، شغل پدر، منطقه سکونت، پایه تحصیلی و رشته تحصیلی پدر با میزان علاقه دانش‌آموزان به حفاظت از محیط زیست و چگونگی رفتار زیست محیطی آنان، رابطه معناداری وجود ندارد، ولی

بین متغیرهای آگاهی، اعتقادات مذهبی، مطالعه مطالب زیست محیطی، برنامه های رسانه های جمعی، نقش معلمان، مطالب کتاب های درسی، اعتقادات ملی، تبلیغات موجود در سطح جامعه، مطالعه مجلات زیست محیطی با میزان علاقه دانش آموزان به حفاظت از محیط زیست و رفتار زیست محیطی آن ها رابطه معنی داری وجود دارد. در پژوهش دیگر، حمایت خواه جهرمی و همکاران (۱۳۹۶) نشان دادند که بین متغیرهای نگرش زیست محیطی، هنجار ذهنی، کنترل رفتار درک شده، تمایل به رفتارهای زیست محیطی با رفتارهای زیست محیطی ارتباط معناداری وجود دارد. تمایل رفتاری بیشترین تأثیر را در بروز رفتارهای زیست محیطی دارد. کنترل رفتار درک شده نیز ارتباط مثبت و معناداری با رفتارهای زیست محیطی دارد. نگرش زیست محیطی نیز ارتباط معناداری با رفتار زیست محیطی دارد در این میان، دو متغیر تمایل به رفتار زیست محیطی و کنترل رفتار درک شده پیش بینی کننده های بهتری برای رفتارهای مسئولانه زیست محیطی هستند. از سویی، پژوهش های انجام شده در خارج از کشور نیز نشان می دهند آگاهی دانش آموزان از محیط زیست کمتر از متوسط است، رابطه معناداری بین سن، محل زندگی، سطح تحصیلات و رشته تحصیلی دانش آموزان با ادراکات محیطی آن ها وجود ندارد. با این حال، جنسیت به طور معناداری بر ادراکات محیط زیست دانش آموزان تأثیر گذار است. هم چنین، ارتباط مثبت معناداری بین با آموزش های پایه محیط زیستی با نگرش و مشارکت دانش آموزان در فعالیت های زیست محیطی وجود دارد. رفتار زیست محیطی دانش آموزان تحت تأثیر تمایلات ادراک محیط قرار دارد و بین سواد رسانه ای و ادراکات محیطی با رفتار و نگرش زیست محیطی رابطه مثبت معناداری وجود دارد (اکمن و الگوز؛ ۲۰۱۷؛ کاراکایا و همکاران؛ ۲۰۱۷؛ دهانیا و پانکاجم؛ ۲۰۱۷ و تسفای و همکاران؛ ۲۰۱۶). بنابر این، مسائل و مشکلات زیست محیطی یکی از مهم ترین نگرانی و دل مشغولی های انسان هزاره سوم است که البته بسیاری از این مسائل ناشی از رفتارهای نامناسب زیست محیطی خود انسان ها است. به نحوی که گفته می شود این رفتارهای نامناسب به طور چشمگیری در چالش های زیست محیطی جهانی نقش دارند، بر این اساس توجه به این مسأله و اهمیت آن در زندگی انسان قرن بیست و یکم، امری است که نمی توان آن را نادیده انگاشت هر چند که توجه به محیط زیست و پرداختن به رابطه انسان و طبیعت سابقه دیرینه ای در تاریخ اندیشه اجتماعی دارد (عباس زاده و همکاران، ۱۳۹۵). مطالعه درباره رفتارهای زیست محیطی در سه دهه اخیر در بسیاری از کشورهای توسعه یافته غربی روند رو به رشدی داشته است. اما، در کشورهای توسعه نیافته یا کمتر توسعه یافته چنین مطالعاتی صورت نگرفته یا کمتر به آن پرداخته شده است، در حالی که مسائل زیست محیطی در این کشورها بیشتر شده و مورد توجه اذهان عمومی قرار گرفته است. متأسفانه در کشور ما (ایران) نیز با توجه به مسائل و مشکلات فراوانی که به خصوص در سال های اخیر در حوزه های مختلف زیست محیطی به وجود آمده است، کمتر مورد توجه گرفته است و درباره رفتارهای زیست محیطی پژوهش های اندکی وجود دارد. این در حالی است که مسئله آلودگی هوا و افزایش گرد و غبار در سال های اخیر، عرصه را در بسیاری از نقاط کشور بر مسئولان و شهروندان تنگ نموده هم چنان که مسئله خشکسالی، هدر رفت آب، پسماندها، فاضلاب های شهری، افزایش تردد خودروها و بسیاری دیگر مسائل زیست محیطی از این دست لا ینحل باقی مانده است که ضرورت انجام پژوهش در این زمینه را دو چندان می کند (نواح و فروتن کیا، ۱۳۹۱). با عنایت به موارد مطرح شده و این که کشور ما ایران، از جمله کشورهای در حال توسعه است که در آن رشد مهارت گسیخته فعالیت های صنعتی و نیمه صنعتی سالیان اخیر، حتی به مناطق مستعد کشاورزی و دامداری هم رسیده و تبعات آسیب های زیست محیطی، دامن این مناطق را هم فرا گرفته است و از آن جا که دانش آموزان مقطع ابتدایی چه به عنوان آینده سازان جامعه و چه به عنوان پیشگامان نوپذیری و کنشگران فعال در عرصه دگرگونی های اجتماعی عصر حاضر، در آغاز سنین رشد و شکل گیری عادت ها و شیوه های درست اندیسیدن و درست رفتار

1. Akman and Alagoz

2. Karakaya et al.

3. Dhanya & Pankajam

4. Tesfai et al.

کردن در ارتباط با عوامل و متغیرهای پیرامون خود از جمله محیط زیست هستند، انتظار می‌رود با توجه به مخاطرات جدی و تخریب‌کننده‌ای که گریبان‌گیر محیط زیست در جامعه امروزی است، رفتاری بهنجار و متناسب با الزامات دانش‌نوین داشته باشند و بتوانند با رفتار زیست محیطی سنجیده و مناسب شرایط لازم را برای ترویج مستقیم و غیر مستقیم رفتار زیست محیطی مطلوب در جامعه فراهم سازند. به همین دلیل و با توجه به اهمیت حفظ محیط زیست به لحاظ ملی و بین‌المللی، این پژوهش به منظور درک و توصیف عوامل مؤثر بر اجرای رفتار زیست محیطی دانش‌آموزان ابتدایی است؟

روش

این مطالعه کیفی، از نوع نظریه پایه و در راستای درک چگونگی رفتار زیست محیطی دانش‌آموزان انجام شد. نظریه پایه، بررسی عمیق اعمال، رفتارها، عقاید و طرز فکرهای افراد و گروه‌ها را به همان نحوی که در زندگی واقعی آن‌ها روی می‌دهد، امکان‌پذیر می‌سازد. در واقع، زمانی که هدف، شناخت شرایط ایجادکننده فرآیندهای روانی اجتماعی، تشریح متغیرهای مؤثر و مخفی شکل‌دهنده رفتار انسان و درک شرایط اجتماعی مسبب رفتار است، نظریه پایه روش مناسبی برای انجام مطالعه کیفی محسوب می‌شود (اشتراوس و کوربین؛ ۲۰۰۸). این مطالعه با نمونه‌گیری هدفمند آغاز و تا اشیاع داده‌ها ادامه یافت. بر این اساس، در این پژوهش ۱۳ دانش‌آموز پایه‌های چهارم (۲ نفر)، پنجم (۴ نفر) و ششم (۷ نفر) مقطع ابتدایی شهر آمل مورد مصاحبه فردی قرار گرفتند. با توجه به این که در ۳ مصاحبه آخر، هیچ‌کدام جدیدی استخراج نگردید، اشیاع داده‌ها حاصل و فرآیند نمونه‌گیری متوقف گردید. مشارکت‌کنندگان، دانش‌آموزان دوره دوم مقطع ابتدایی (پایه‌های چهارم، پنجم و ششم) شهر آمل بود. علت انتخاب نمونه‌ها از پایه‌های چهارم، پنجم و ششم، امکان دقت و کیفیت پایین در پاسخ‌های دانش‌آموزان سنین پایین‌تر، هم‌چنین، امکان بررسی رفتار زیست محیطی آنان (دانش‌آموزان پایه‌های اول، دوم و سوم مقطع ابتدایی) از طریق رفتارهای زیست محیطی دانش‌آموزان پایه‌های بالاتر، بود (سعادت و همکاران، ۱۳۹۳). جهت گردآوری داده‌ها، از روش مصاحبه فردی نیمه ساختار یافته استفاده شد. مصاحبه‌ها حاوی سؤالات راهنما بود که بر اساس اهداف پژوهش تنظیم شده بودند. هر یک از مصاحبه‌ها با یک سؤال باز از سوی پژوهشگر، آغاز و بر اساس اطلاعاتی که مشارکت‌کننده ارائه می‌داد، سؤال پیگیری‌کننده به منظور روشن شدن مفهوم، مطرح می‌شد. قابل ذکر است که سؤالات مصاحبه‌های بعدی بر اساس برخی نکات با اهمیت استخراج شده از مصاحبه‌های قبلی، تنظیم می‌گردید. پرسش‌های زیر نمونه‌ای از این گونه سؤالات بودند:

0 از نظر شما آیا سهل‌انگاری در حفاظت از محیط زیست می‌تواند عواقبی برای زندگی انسان‌ها در بر داشته باشد؟

0 شما چگونه به محیط زیست خود احترام می‌گذارید؟

0 چگونه در حفاظت از محیط زیست خود مشارکت می‌کنید؟

0 چگونه به دیگران در حفاظت از محیط زیست یاری می‌رسانید؟

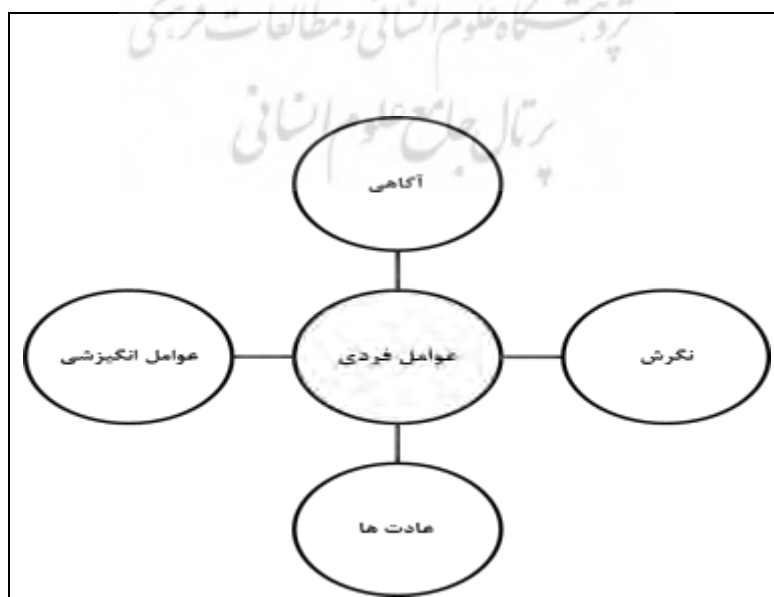
0 به نظر شما عواملی که باعث می‌شوند، مردم به محیط زیست کمتر اهمیت بدهند، چیست؟

در این مطالعه، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مقایسه مداوم اشتراوس و کوربین (۲۰۰۸) که شامل سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی است، استفاده شد. به منظور اعتبار داده‌ها از معیارهای پیشنهادی گوبا و لینکلن استفاده گردید. در مرحله کدگذاری باز ابتدا متن نوارها به دقت پیاده شده و چندین بار مرور و بازخوانی شد. پژوهشگران خط به خط و کلمه به کلمه داده‌ها را بازنگری و جملات و مفاهیم اصلی موجود در هر خط یا پاراگراف را مشخص نمودند و به هر جمله کد دادند. کدگذاری با استفاده از کلمات مشارکت‌کننده یا به صورت استدلالی که پژوهشگران طبق مفاهیم موجود در داده‌ها می‌ساختند، صورت گرفت. در این مرحله از کدگذاری، دسته‌بندی اولیه‌ای از کدها صورت گرفته و کدهای مشابه بر

اساس خصوصیات و ابعاد کنار هم قرار گرفتند. در کدگذاری اولیه، تعداد ۸۳ کد اولیه استخراج گردید که در فرآیند تحلیل و مقایسه مداوم، تعداد کدهای اولیه به ۳۴ مورد تقلیل یافت و در نهایت ۴ کد محوری و ۱ کد انتخابی حاصل گردید. کد انتخابی حاصل از این پژوهش، عوامل فردی نامیده شد که چگونگی اجرای رفتار زیست محیطی دانش‌آموزان ابتدایی را شکل می‌دهد. خاطر نشان می‌سازد، در سرتاسر فرآیند پژوهش، تعامل کافی و بسیار نزدیکی بین پژوهشگر با مشارکت کنندگان وجود داشت. بازنگری متون مصاحبه نخست توسط مشارکت کنندگان و بازنگری کدهای استخراجی توسط ناظرین خارجی انجام شد و از نظرات تکمیلی و اصلاحی متخصصان استفاده شد. لذا، بازنگری توسط مشارکت کنندگان و ناظرین خارجی و تنوع نمونه‌گیری، بیانگر تأیید پذیری داده‌ها بود. در مورد رعایت ملاحظات اخلاقی، پژوهشگر علاوه بر معرفی خود و توضیح اهداف پژوهش به مشارکت کنندگان، از آنان درخواست می‌کرد تا با رضایت کامل و کاملاً آگاهانه در مصاحبه شرکت نمایند و پیش از شروع مصاحبه، اجازه ضبط صدا و یادداشت برداری از مشارکت کنندگان گرفته می‌شد. به مشارکت کنندگان اطمینان داده شد که در هنگام انتشار نتایج کلیه اطلاعات فردی محرمانه باقی خواهد ماند و پس از استفاده، فایل‌های صوتی حذف خواهند شد. هم‌چنین، این اطمینان حاصل شد که مشارکت کنندگان مختار هستند در هر مرحله از پژوهش بر حسب صلاحدید خود، از مطالعه خارج شوند.

یافته‌ها

مشارکت کنندگان این پژوهش از هر دو جنسیت پسر (۴۶ درصد) و دختر (۵۴ درصد) بودند که ۱۵ درصد در پایه چهارم، ۳۱ درصد در پایه پنجم و ۵۴ درصد در پایه ششم ابتدایی مشغول به تحصیل بودند. متغیر اصلی که عامل تأثیرگذار بر اجرای رفتار زیست محیطی توسط دانش‌آموزان ابتدایی بود، تحت عنوان عوامل فردی نام گذاری شد. این عامل بدین معناست که باید مجموعه‌ای از عوامل فردی مهیا گردند تا دانش‌آموزان مقطع ابتدایی بتوانند رفتار زیست محیطی مطلوبی را در موقعیت‌های گوناگون زندگی خود به اجرا درآورند و تأثیر مثبتی بر محیط زیست داشته باشند. این عامل که متغیر اصلی است شامل ۴ طبقه در یک کد محوری عوامل فردی می‌باشد (شکل ۱). بر این اساس، متغیرهای حاصل از کد بندی در کد محوری عوامل فردی شامل آگاهی، عوامل انگیزشی، عادت‌ها و نگرش است.



شکل ۱: عوامل موثر بر چگونگی اجرای رفتار زیست محیطی توسط دانش‌آموزان ابتدایی

عوامل فردی

۱. آگاهی

به نظر مشارکت‌کنندگان، برای ارائه رفتارهای درست زیست محیطی و حل مشکلات محیط زیست، یک اقدام اساسی و مهم، افزایش سطح آگاهی و اطلاعات افراد جامعه و به خصوص دانش‌آموزان است که این مهم نیز مانند سایر امور مهم دیگر نیاز به آموزش دارد. چرا که اگر شهروندان از عواقب عملکردشان بر محیط زیست آگاه باشند، بسیار پسندیده و مناسب تر رفتار خواهند کرد. بی‌اطلاعی، نداشتن آگاهی و کم‌دانشی خطر بسیار بزرگی برای محیط زیست است که تاثیر بسیاری از رفتارهای نادرست انسان‌ها، مانند کم‌آبی و خشکسالی، گرد و خاک‌ها، تخریب جنگل‌ها، مهاجرت به شهرها و غیره در کشور ما قابل مشاهده است. پاسخ‌های تعدادی از مشارکت‌کنندگان در خصوص نقش آگاهی در تقویت رفتار زیست محیطی دانش‌آموزان مدارس ابتدایی، به صورت زیر می‌باشد:

"... وقتی نمی‌دونیم که با تخریب و آلوده کردن محیط زیست چه مشکلاتی اول برای خودمان و سپس، نسل‌های بعدی به وجود می‌آوریم چگونه می‌خواهیم برای حفظ محیط زیست ارزش قائل شویم." (مشارکت‌کننده شماره ۱، دانش‌آموز دختر پایه ششم)، مشارکت‌کننده دیگری (شماره ۲، دانش‌آموز دختر پایه پنجم) اظهار داشت "... نگاه کنید این همه در صدا و سیما درباره خشکسالی و کمبود آب در سال‌های آینده در کشور صحبت می‌شه ... همه ما هم اهمیت آب در زندگی انسان‌ها را کم و بیش می‌دونیم، ولی شما می‌بینید که هنوزم خیلی از مردم ماشین‌هاشون را جلوی در خونه‌هاشون یا تو پارکینگ‌ها می‌شورن و تو حموم دوش آب را یکسره باز می‌ذارن و ...، اینا واقعا به مسئله اهمیت نمی‌دهند چون اطلاعات شون کافی نیست و آگاهی ندارند ...". هم‌چنین، اظهار نظر مشارکت‌کننده شماره ۷، دانش‌آموز پسر پایه ششم " ببینید تو کتاب‌های ما چقدر درباره حفظ محیط زیست صحبت شده ... شاید خیلی زیاد نباشه ولی خیلی تاثیرش زیاده ... برای من خیلی تاثیرگذار بوده ... بیشتر دوستام دارم می‌بینم که رعایت می‌کنند ... حالا اگر این بیشتر بشه تو رادیو، تلویزیون مخصوصا برنامه‌هایی که مردم بیشتر تماشا می‌کنند ... قبل و بعد از برنامه ... توجه مردم بیشتر به موضوع جلب می‌شه و این باعث می‌شه بیشتر رعایت کنند ...".

۲. عوامل انگیزشی

حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیستی رکن اساسی سعادت و رشد جوامع هستند و توجه به آن به خصوص در دوران مدرسه بسیار ضرورت دارد. مشارکت‌کنندگان معتقدند علاوه بر مولفه آگاهی که نقش بسیار مهمی در حفظ و حراست از محیط زیست دارد، هر فردی برای انجام فعالیت‌هایش نیاز به عامل اصلی و مهم دیگری به نام انگیزه دارد تا به طور هدفمند و با صرف انرژی کافی برای رسیدن به خواسته‌هایش تلاش کند. بر این اساس، یکی دیگر از عوامل موثر در تقویت رفتارهای زیست محیطی مطلوب در افراد جامعه و به خصوص دانش‌آموزان، عوامل انگیزشی است. با این حال، افزایش و تقویت انگیزه در افراد خودمستلزم تعیین پاداش و تشویق است، یعنی هر فردی باید بداند که چه عملی، چه کاری، چه روشی و یا چه عواملی منجر به پاداش و تشویق آنان می‌شود تا نیرو و توان بیشتری برای به دست آوردن آن پاداش‌ها و تشویق‌ها به کار گیرند. پاسخ‌های برخی از مشارکت‌کنندگان در رابطه با نقش عوامل انگیزشی در تقویت رفتار زیست محیطی دانش‌آموزان مدارس ابتدایی، به صورت زیر می‌باشد:

مشارکت‌کننده شماره ۳، دانش‌آموز پسر پایه ششم اظهار داشت "... به نظرم یکی از عوامل مهمی که نباید نقش اون رو تو حفظ محیط زیست نادیده بگیریم، انگیزه افراد هست ...، این که ما بدونیم با حفاظت و مراقبت از خاک، آب و هوا چه خدمت بزرگی به خودمون و نسل‌های بعد از خودمون می‌کنیم، خیلی مهم است ... اگر درخت کاشتیم یا زباله‌ای را از زمین برداشتیم یا در مصرف آب دقت کردیم ... به خاطر این هست که از منافعش بهره‌مند می‌شویم ...". هم‌چنین، اظهار نظر مشارکت‌کننده

شماره ۴، دانش آموز دختر پایه ششم " من خودم وقتی فهمیدم که تنها با تفکیک زباله ها چه خدمت بزرگی به شهرم و کشورم می کنم، بیشتر تصمیم گرفتم که تو خونه خودمون انجامش بدیم و یا از فامیل هامون بخواهیم که اونا هم انجامش بدن. یا مثلا وقتی به کوه، جنگل و دریا می رویم، بعدش زباله هامون را جمع کنیم و اونجا رها نکنیم ... حتی ما زباله های ریخته شده دیگران را هم جمع می کنیم ... " مشارکت کننده شماره ۶، دانش آموز دختر پایه ششم " این که چرا محیط زیست اهمیت داره خوبه برای این که ما به اون نیاز داریم ... اگر هوا آلوده باشه ما مریض می شیم ... آب آلوده باشه اول ما ضرر می کنیم ... یعنی سهیل انگاری در حفاظت از محیط زیست، عواقبش دامن زندگی ما انسان ها را می گیره ... این که ما از محیط زیست مون محافظت کنیم همه برای خودمون و هم برای اطرافیان و کسانی که دوستان، همشهریان یا هموطن های ما هستند ... "

۳. عادت ها

مشارکت کنندگان، هم چنین، معتقد هستند که حفظ و حراست از محیط زیست باید به صورت یک عادت مهم در هر فردی نهادینه شود و از آن جا که عادت ها از دوران کودکی در انسان ها، نهادینه می شوند، رفتارهای درست زیست محیطی نیز باید از کودکی به افراد آموخته شوند تا به صورت یک باور ذهنی در آن ها تبدیل شود. در این صورت، صرف نظر از این که اجتماع به آنان توجه داشته باشد، یا پاداشی بدهد، حتی مورد سرزنش قرار دهد و غیره، به طور ناخودآگاه رفتار درستی را در موقعیت های که رعایت مسائل زیست محیطی نیاز است، انجام می دهند. لذا، تقویت عادت های زیست محیطی این باور را در دانش آموزان افزایش می دهد و آنان را موظف می کند تا از یگانه زیستگاهی که در آن زندگی می کند به بهترین شکل ممکن پاسداری نمایند که این امر نیز مستلزم ارائه آموزش های لازم به دانش آموزان است که نقش خانواده ها و آموزش و پرورش در این خصوص بسیار مهم است. پاسخ های برخی از مشارکت کنندگان در خصوص تاثیر عادت ها در تقویت رفتار زیست محیطی دانش آموزان مدارس ابتدایی، به صورت زیر می باشد:

مشارکت کننده شماره ۳، دانش آموز پسر پایه ششم اظهار داشت " ... حفظ محیطی که در اون زندگی می کنیم باید برای همه ما یه چیز عادی باشه، یعنی ما بدون این که فکر کنیم داریم چه کاری انجام می دهیم، خودکار اونو انجام بدیم ... شیر آب را باز نذاریم، کاغذها را اسراف نکنیم، زباله ها را هر جایی نندازیم، از وسایل نقلیه عمومی استفاده کنیم، شاخ و برگ درختان را نشکنیم ... این کار ها را باید از کودکی تمرین کنیم تا انجام دادنش برای ما عادت بشه ... " هم چنین، اظهار نظر مشارکت کننده شماره ۹، دانش آموز پسر پایه پنجم " ... عوامل زیادی وجود دارند که باعث می شوند، مردم به محیط زیست اهمیت بدهند ... اگر انجام این کار برای آن ها یه کار عادی روزمره و همیشگی بشه ... مثلا هر کسی که صبح از خواب بیدار می شه، دست و رو شو می شوره، مسواک می زنه، کتاب ها و دفترها شو مرتب می کنه، صبحانه می خوره و لباس می پوشه که به مدرسه بره ...، در مورد محیط زیست هم باید این طوری باشه که هر فردی خودش خودکار رعایت کنه ... بستن شیر آب، انداختن زباله ها در سطل آشغال، تفکیک کردن زباله ها مثلا مواد خشک را از مواد تر جدا کنیم، شیشه و چیزای شکستنی را جدا کنیم، ... آلوده نکردن آب رودخانه ها ... " مشارکت کننده شماره ۱۰، دانش آموز دختر پایه پنجم " من خودم و همه خانواده ما بدون این که کسی چیزی بهمون بگه یا چی کار کنیم، رعایت می کنیم، ... بیشتر در مصرف انرژی، گاز، آب و برق صرفه جویی می کنیم، بیرون که می ریم زباله هامون را رها نمی کنیم، زباله هامون را تفکیک می کنیم و بیشتر تلاش می کنیم که کمتر زباله تولید کنیم. ... پوست میوه ها را در پای گلدون ها می ریزیم تا کود بشه ... روزهایی که نیاز نیست از ماشین استفاده نمی کنیم ... "

۴. نگرش

مشارکت کنندگان معتقد بودند که نگرش هر فرد نسبت به مسئله محیط زیست، سرلوحه وی در استفاده درست از محیط زیست و تلاش و اهتمام وی بر ترغیب دیگران جهت حفاظت از محیط زیست است. در صورتی که افراد قانع نشوند که عوامل خاصی در نابودی محیط زیست نقش دارند، آن‌ها نسبت به آن عوامل، نگرش منفی پیدا نخواهند کرد. در حقیقت، نگرش‌ها و باورهای مثبت افراد جامعه و به خصوص کودکان و نوجوانان گامی مؤثر در احترام به طبیعت و حفظ آن برای زندگی خود و آیندگان است. در مقابل، تا زمانی که یک فرد نگرش مثبتی نسبت به موضوعی مانند رفتار درست نسبت به محیط پیرامون خود نداشته باشد و از اهمیت آن مطلع نباشد، نمی‌تواند آن را به درستی درک نموده، آن را به صورت یک عادت در خودش نهادینه کند و خود و دیگران را تشویق به حفاظت از محیط زیست نماید. پاسخ‌های تعدادی از مشارکت کنندگان در رابطه با نقش نگرش در تقویت رفتار زیست محیطی دانش‌آموزان مدارس ابتدایی، به صورت زیر می‌باشد:

مشارکت کننده شماره ۱، دانش آموز دختر پایه ششم اظهار داشت "... چگونه احترام گذاشتن به محیط زیست، بستگی به طرز فکر افراد دارد، یکی که دوستدار محیط زیست هست، در هر صورتی خودش و دیگران را به رعایت محیط زیست تشویق می‌کند، اگر کسی محیط زیستش برایش اهمیتی نداشته باشه، حتی ممکنه افرادی را که برای سالم نگهداشتن محیط زیست کوشش می‌کنند ... مسخره کنه، چون برایش مهم نیست ...". هم چنین، اظهار نظر مشارکت کننده شماره ۲، دانش آموز دختر پایه پنجم "اگر همه ما به این باور برسیم که زندگی بدون آب معنی نداره، جنگل‌ها چقدر برای زندگی ما مفید هستند، خاک حاصل خیز چه نقش مهمی در تولیدات مواد غذایی داره، از همه مهم تر بدون هوا مثل ماهی دور از آب می‌مونیم، ... این باور و اعتقاد رفتار ما را در برخورد با محیط اطراف مان تغییر می‌ده، ... نگرش ما را مثبت می‌کنه و از رعایت برخی مسائل مربوط به محیط زیست، احساس خوبی به ما دست می‌ده ...". مشارکت کننده شماره ۸، دانش آموز دختر پایه چهارم "معلم مان می‌گه اگر بارون نباره، زمین‌ها خشک بشوند، هیچ گیاهی رشد نمی‌کنه، بعد از مدتی ما غذایی برای خوردن نداریم ... شاید پول خیلی زیادی داشته باشیم ولی اون پول به درد ما نمی‌خوره چون ما برای کسب پول بیشتر، محیط زندگی خودمان را با دستای خودمون از بین بردیم...، اما اگر ما به این موضوع فکر کنیم و به اون اعتقاد پیدا کنیم که با استفاده درست از منابعی که طبیعت در اختیار ما قرار داده، هم می‌تونیم خودمون راحت تر زندگی کنیم و هم بقیه آدم‌های روی کره زمین، رفتار خودمون را درست می‌کنیم ...".

بحث و نتیجه‌گیری

طبیعت و محیط زیست، موهبتی خداوندی است که از مجموعه موجودات، منابع و عوامل و شرایط هماهنگی که در اطراف هر موجود زنده دارد و ادامه حیات به آن وابسته است به وجود می‌آید. محیط زیست محل زندگی و تامین کننده اصلی ترین نیازهای انسان است و پدیده‌ای می‌باشد که هر روز بر اهمیت آن افزوده می‌گردد. اما، متأسفانه انسان در دوران سلطه اش بر این کره خاکی با استفاده بی‌رویه و بدون برنامه ریزی از منابع طبیعی، ایجاد آلودگی‌های خطرناک در خاک، آب و هوا به از بین بردن محیط زیست خود، پرداخته است. یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند به درک عوامل مؤثر بر اجرای رفتار زیست محیطی دانش‌آموزان مقطع ابتدایی و تبیین واقعیت‌های موجود در تجارب آنان کمک نماید، هر چند در مطالعات کیفی هدف، تعمیم‌پذیری یافته‌ها نمی‌باشد. در مطالعه حاضر جمع‌آوری اطلاعات تا زمان اشباع داده‌ها و عدم استخراج داده‌های جدید ادامه یافت. متغیر اصلی (مرکزی) در این مطالعه تحت عنوان عوامل فردی نام گذاری شد. از این رو، عوامل مؤثر بر اجرای رفتار زیست محیطی دانش‌آموزان ابتدایی با کد محوری عوامل فردی شامل آگاهی، عوامل انگیزشی، عادت‌ها و نگرش‌ها است. در حقیقت، مشارکت کنندگان اظهار نمودند که آگاهی، انگیزه، باور، نگرش، تمرین و کسب مهارت‌ها بر اجرای رفتار زیست محیطی در دانش‌آموزان مقطع ابتدایی تأثیر دارد، به طوری که با افزایش آگاهی و اطلاعات، تجربه، ممارست، انگیزه‌ها، باورها و نگرش

مثبت، اجرای رفتار زیست محیطی بهتر و به نحو مطلوب تری به کار گرفته می شود. یافته های به دست آمده، با یافته های حاصل از پژوهش های دانشور راد (۱۳۸۸)، صالحی و همکاران (۱۳۹۲) و علوی پور و همکاران (۱۳۹۵) در داخل کشور و نتایج پژوهش های اکمن و الگوز (۲۰۱۷)، کاراکایا و همکاران (۲۰۱۷)، دهانیا و پانکاجم (۲۰۱۷) و تسفای و همکاران (۲۰۱۶) در خارج از کشور هم خوانی (همسو) دارد. علاوه بر این، باید توجه داشت که عدم آگاهی و عدم برخورداری از آموزش کافی، مانع از اجرای درست رفتار زیست محیطی دانش آموزان می شود. این عدم آگاهی می تواند به دلیل آموزش غیر اصولی فرآیند در سطح مدارس و نیز عدم آشنایی معلمان در خصوص رفتار های زیست محیطی باشد. با توجه به وضعیت محیط زیست در کشور متوجه می شویم که علت بیشتر دگرگونی ها و تخریب ها، ناشی از عدم آگاهی و یا بی توجهی انسان به محیط اطراف، خودخواهی و پشت پا زدن به ارزش ها و آداب و رسوم گذشته برای حفظ و حمایت از آن بوده است. لذا، آموزش می تواند تاثیر قابل توجهی در تقویت فرهنگ زیست محیطی و رسیدن به اهداف توسعه پایدار داشته باشد. لذا، مهم ترین هدف در ارتقاء فرهنگ زیست محیطی افراد هر جامعه ای، ایجاد توانمندی در آنان برای تصمیم گیری صحیح، تغییر رفتار و عملکرد و استفاده بهینه از منابع می باشد. هرچه آگاهی مردم جامعه در مورد محیط زیست بیشتر باشد، اجرای قوانین و رضایت مندی آنان نیز افزایش می یابد و هرچه ساختار توانمندسازی افراد در خصوص اجرای قوانین زیست محیطی و احساس مسئولیت در افراد بیشتر اجرا شود، رابطه مثبتی با توانمندی روانی، خشنودی و ایجاد انگیزه درونی در افراد به وجود می آید. در این میان، آگاهی سر منشا رشد و تعالی انسان در مواجهه با جهان تلقی می شود. به نظر مشارکت کنندگان، برای حل مشکلات زیست محیطی یکی از اساسی ترین امور افزایش آگاهی و اطلاعات است که این مهم مانند امور مهم دیگر، نیاز به آموزش دارد. نه تنها در آموزش محیط زیست، بلکه در اکثر امور ارزشمند دیگر، اقدام به آموزش در دوران کودکی و نوجوانی که زمان رشد و تحصیل دانش آموزان است، نسبت به افراد و دوران های دیگر از اهمیت ویژه ای برخوردار است، زیرا کودکان و نوجوانان بزرگترین گروه انسانی هستند که حدود سی درصد از جمعیت جهان را تشکیل می دهند و این نسبت در کشورهای در حال توسعه حتی به پنجاه درصد هم می رسد، دوم این که آنان نسل بعدی جوامع خویش را تشکیل می دهند و مسئولیت ارتباط نسل حاضر با نسل های آینده را بر عهده دارند. سوم آن که کودکان و نوجوانان در مقابل آسیب های زیست محیطی آسیب پذیر تر هستند. سر انجام این که سطح بالای دریافت و یادگیری در سنین کودکی و نوجوانی سبب می گردد که آنان مطالب را سریع تر و بیشتر فرا گیرند و در زندگی خویش به کار بندند. با این حال برای افزایش آگاهی و دانش دانش آموزان باید سطح آگاهی و دانش فعلی آنان را اندازه گرفت و با شناسایی نقاط ضعف نسبت به افزایش محتوای علمی مورد نیاز اقدام نمود. از طرفی، افزایش آگاهی و دانش نسبت به مسائل، یک اصل پر بازده در فرآیند توسعه به ویژه توسعه پایدار به حساب می آید و برای ایجاد تغییر و تحول به منظور جلوگیری از تخریب محیط زیست و منابع طبیعی تجدید شونده یکی از عوامل تسریع کننده مهم، آموزش دانش آموزان است. با این که کودکان خود بیشترین قربانی ناهنجاری های محیط زیستی هستند، بهترین و مؤثرترین گروه در جوامع برای آموزش محیط زیست هستند. زیرا، بهترین شیوه نهادینه کردن عادت های مثبت، آموزش و آن هم، آموزش این عادت ها از دوران کودکی است.

منابع

- حاجی علیزاده، شایسته، دهقانی، محسن و سماوی، عبدالوهاب. (۱۳۹۲). بررسی میزان نگرش و رفتار زیست محیطی دانش‌آموزان دختر و پسر در حفاظت از محیط زیست (مطالعه موردی شهر بندرعباس). همایش ملی پژوهش‌های محیط زیست ایران، همدان، دانشگاه شهید مفتح.
- حمایت‌خواه جهرمی، مجتبی، ارشاد، فرهنگ، دانش، پروانه و قربانی، مهدی. (۱۳۹۶). واکاوی رفتارهای زیست محیطی بر اساس مدل TPB. فصلنامه توسعه اجتماعی، ۱۱(۳)، ۳۱-۶۶.
- دانشور راد، سیمین. (۱۳۸۸). بررسی میزان علاقه و رفتار زیست محیطی دانش‌آموزان و معلمان نسبت به حفاظت از محیط زیست در مقطع دبیرستان شهر قم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم تربیتی، گرایش برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه پیام نور مرکز تهران.
- سعادت، نیره، کریمی، داریوش و منوری، سید مسعود. (۱۳۹۳). بررسی نیازهای آموزشی زیست محیطی دانش‌آموزان استان خوزستان. فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست، ۱۶(۱)، ۵۷۳-۵۸۵.
- شیرینی، سید محمد. (۱۳۹۶). بررسی نقش سبک‌های تفکر در نگرش و رفتار محیط‌زیستی دانش‌آموزان دبیرستانی. فصلنامه تعلیم و تربیت، ۳۳(۲)، ۴۱-۶۶.
- شهبازی، طیب، شیرینی، سید محمد و زندی، بهمن. (۱۳۹۴). مطالعه نقش رسانه‌های ارتباط جمعی در آموزش مسائل محیط‌زیستی از دیدگاه معلمان مدارس راهنمایی شهرستان سرپل ذهاب. فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست، ۱۷(۲)، ۹۵-۱۰۴.
- صالحی، صادق، پازوکی نژاد، زهرا و امامقلی، لقمان. (۱۳۹۲). بررسی آموزش و پرورش و محیط زیست (نگرش، آگاهی و رفتارهای زیست محیطی دانش‌آموزان). مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز، ۶(۲)، ۱۹۱-۱۷۱.
- صالحی، صادق و قائمی اصل، زهرا. (۱۳۹۲). بررسی رابطه آموزش زیست محیطی و رفتارهای حفاظت از محیط زیست (مورد مطالعه: دانش‌آموزان دبیرستان‌های دخترانه شهر بابل). فصلنامه آموزش محیط زیست و توسعه پایدار، ۶۷(۳)، ۷۹-۶۷.
- عباس‌زاده، محمد، بنی‌فاطمه، حسین، علیزاده‌اقدم، محمدباقر و علوی، لیلا. (۱۳۹۵). تاثیر مداخله‌ای نگرش مسؤولانه زیست محیطی بر رابطه بین دلبستگی مکانی و رفتار مسؤولانه زیست محیطی. فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۷(۲)، ۸۰-۶۱.
- علوی پور، فاطمه‌سادات، کریمی، سعید، یزدان‌داد، حسین و وحیدیان، فاطمه. (۱۳۹۵). سنجش دانش و نگرش محیط‌زیستی دانش‌آموزان روستایی (نمونه مطالعه شده: منطقه طرقله و شان‌دیز). فصلنامه پژوهش‌های روستایی، ۷(۴)، ۶۸۷-۶۷۲.
- کلانتری، لیدا و فتاحی، عبدالرضا. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر آموزش‌های زیست محیطی بر تغییر رفتار دانش‌آموزان پایه‌ی پنجم ناحیه‌ی ۳ شهر کرمانشاه. اولین همایش ملی حفاظت و برنامه‌ریزی محیط زیست، همدان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، شرکت هم‌اندیشان محیط زیست فردا.
- نواح، عبدالرضا و فروتن‌کیا، شهروز. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین کنش اخلاقی و رفتارهای زیست محیطی (مورد مطالعه: جامعه شهری اندیمشک). فصلنامه علمی محیط زیست، ۵۱(۵)، ۷۸-۶۹.

- Akman, O., and Alagoz, B. (2017). A Study on Environment - Oriented Knowledge, Attitude and Behavior Level of Teacher Candidates. *Journal of Education and Practice*, 8(7), 229-245.
- Dhanya, C. H., and Pankajam, R. (2017). Environmental Awareness Among Secondary School Student. *International Journal of Research – Granthaalayah*, 5(5), 22-26.
- Karakaya, F., Avcin, S. S., and Yilmaz, M. (2017). Environmental Literacy Dimensions of Pre-Service Teachers. *Üniversitepark Bülten*, 6(1), 95-108.
- Strauss, A. C., and Corbin, J. M. (2008). *Basics of Qualitative Research*. 3rd ed. Los Angeles : CA Sage Press.
- Stren, P. C., Dietz, T., and Kalof, L. (1993). Value orientations, gender, and environmental Concern. *Journal of Environment and Behavior*, 25(5), 322-348.
- Tesfai, M., Nagothu, U. S., Ši J., and čč P. (2016). Perceptions of Secaaaa ry Sc a nnnnnnnnnnnnrSecccæ:: Case Sdddy from Czechia. *International Journal of Environmental and Science Education*, 11(12), 5533-5553.

